

شہید حسن ولایتی پور



ازبنا علی

سامانہ جامع سرداران و دوہزار شہید استان بوٹھر

نام پدر	علی اکبر
تاریخ تولد	۱۳۴۴/۹/۲۰
محل تولد	بوشهر - دالکی
تاریخ شهادت	۱۳۶۷/۴/۲۲
محل شهادت	موسیان
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	
شغل	
تحصیلات	
مدفن	دالکی

زندگینامه

زندگینامه شهید

بسم الله الرحمن الرحيم

من المومنين رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه فمنهم من قضى نحبه و منهم من ينتظر و ما بدلوا تبديلا

این بار سخن از شهیدی پاک و متعهد به فرامین الهی از دالکی است که با عشق به معشوق و با یاد خدا و در راه خدا از وطن هجرت کرد و در این راه از نثار جان دریغ نکرد و مرگ سرخ را بر زندگی مرفه ترجیح داد و تحمل مصیبت و سختی در راه خدا را بر غرق شدن در لذات دنیوی ترجیح داد. که این شیوه تمام عاشقان و پویندگان راه سالار شهیدان ابا عبدالله الحسین(ع) است.

عشق ماه است و زندگی چون شب شب که بی ماه خوب و زیبا نیست

جان و دل چیست از برای نثار در ره عشق حرف اینها نیست

کیمائی است عشق پاک اما بهر هر ناکسی مهیبا نیست

گر بلای حسینی(ع) ثابت کرد عاشقان را ز مرگ پروا نیست

آری شهید حسن ولایتی پور در خانواده ای مستضعف و مذهبی در سال ۱۳۴۴ در روستای بنه جاموشی چشم به جهان گشود و در دامان مادری باتقوا و پدری مهربان پرورش یافت. در سال ۱۳۵۱ وارد مدرسه شد و سال های اول و دوم ابتدایی را در زادگاه خویش سپری نمود. سپس همراه با خانواده به دالکی مهاجرت نمود و سال سوم دبستان را تا پایان دوره راهنمایی با موفقیت در دالکی گذراند. همزمان با تحصیل در اوقات فراغت تابستان کار می کرد تا در امرار معاش به خانواده کمک کند. همزمان با اوج گیری انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره) با وجود سن کم در راهپیمایی و سایر برنامه های سیاسی و مذهبی شرکت داشت. شهید ولایتی پور از آن جا که عشق و علاقه فراوان به اسلام و انقلاب اسلامی داشت در مرداد ماه سال ۱۳۶۲ به عضویت بسیج دالکی در آمد و ضمن تحصیل شب ها همدوش دیگر برادران بسیجی به پاسداری از دست آوردهای انقلاب اسلامی همت گماشت. وی پس از اتمام دوره راهنمایی در سال ۱۳۶۳ به استخدام ژاندارمری جمهوری اسلامی در آمد و جهت گذراندن دوره آموزشی به مرزن آباد رفته و پس از اتمام دوره آموزشی عمومی در سال ۱۳۶۴ جهت گذراندن دوره تخصصی خود در رشته مهندسی رزمی عازم تهران شد. و پس از ۶ ماه که آموزش تخصصی خود را به پایان رسانید به درجه گروهان دومی نائل آمد و جهت یاری رزمندگان اسلام و مرزبانی از مرز و بوم میهن اسلامی راهی میادین نبرد با کفر جهانی شد. این شهید زنده یاد اخلاقی بسیار نیکو و پسندیده و چهره ای بشاش و گشاده داشت. پس از یک سال حضور در جبهه در دی ماه ۱۳۶۵ جهت ازدواج به مرخصی آمد و در حالی که بیش از ۱۵ روز از ازدواج وی نمی گذشت عازم جبهه شد و سرانجام در تاریخ ۲۱/۴/۱۳۶۷ در دفاع از مرز و بوم کشور اسلامی پس از رشادت ها و دلاوری های بی نظیر به خیل دیگر شهدای اسلام پیوست.

مصاحبه

شهید در گنجینه خاطر مادر:

سکینه عباسی مادر شهید حسن ولایتی پور هشتم فرزندم بسیار ساکت و آرام بود. بعد از تولد پدرش نام او را انتخاب کرد. وقتی حسن به دنیا آمد تا ۴۰ روز مریض بود و اصلاً شیر نمی خورد.

حسن به خواندن نماز و گرفتن روزه خیلی علاقه داشت. پدر، مادر، برادر و خواهرش را خیلی دوست داشت و بیشتر به فکر کمک به خانواده بود. از نظر اخلاقی پسر خیلی خوبی بود و هیچ وقت باعث ناراحتی و رنجش اطرافیان خود نمی شد. حسن در دوران کودکی بسیار زجر کشید.

حسن علاقه زیادی به مدرسه و درس خواندن داشت. او تکالیفش را خیلی خوب انجام می داد. رفتارش با والدین بسیار خوب و محترمانه بود. از نظر اخلاقی از سایر فرزندانم ساکت تر بود و از همان کودکی به مسائل دینی و اعتقادی عشق می ورزید. در دوره نوجوانی بعد از گرفتن مدرک سیکل خود وارد نیروی انتظامی شد. از دوستان نزدیک وی می توان از برادران اصغر مجرد، ابراهیم عبدالهی و ... را نام برد که آنها هم در دالکی سکونت دارند.

وی قبل از این که وارد کسوت مقدس نیروی انتظامی شود به پدرش کمک می کرد. حسن به ورزش علاقه زیادی داشت و بیشتر اوقات فراغت خود را به ورزش می گذراند. رفتار وی با همسایگان و خویشاوندان بسیار صمیمی و خوب بود. از همان کودکی به امام خمینی علاقه زیادی داشت و افرادی همچون شهید رجایی، دکتر بهشتی، دکتر چمران و طالقانی را اسوه و الگوی خود قرار داده بود. روحانیت را بسیار دوست می داشت. به اهل بیت و ائمه طاهری (ع) ارادت خاصی داشت و به قرآن و راز و نیاز با خداوند عشق می ورزید. بسیار مهربان بود و به همه احترام می گذاشت مردم نیز متقابلاً او را خیلی دوست داشتند.

شهید دوره سربازی خود را در سال ۱۳۶۶ به مدت دو سال در مرکز آموزشی مرزن آباد به پایان رسانید. بزرگترین هدفش دفاع از دین و سرزمینش بود. دو تن از دوستان نزدیک وی اصغر عدالت و غلامرضا صادقی بودند که هر دوی آنها به فیض عظمای شهادت نائل آمدند.

حسن با خود تصمیم گرفته بود که ازدواج کند و ملاک او در انتخاب همسر پاکی و صداقت بود. همسرش دختر دایی اش بود. مراسم ازدواج آنها به سادگی در خانه پدری برگزار شد. برای انجام امر ازدواج به مدت ۱۵ روز به مرخصی آمده بود و بلافاصله بعد از اتمام مرخصی به جبهه بازگشت. رابطه اش با همسرش بسیار خوب بود.

حسن به جبهه و جنگ خیلی علاقه داشت و مدت ۲ سال در جبهه با رشادت های زیادی جنگید. اولین بار در سال ۱۳۶۶ در سن ۱۸ سالگی بعد از اتمام دوره ۶ ماهه تخصصی مهندسی رزمی به جبهه اعزام شد. در حمله منافقین به بستان به شهادت رسید و تا ۴۰ روز از ایشان خبری نداشتند. چون مفقود شده بود. بعد هاجسد او را در کنار کوهی یافتند. ۷۵ روز بعد از شهادتش او را تا گلزار شهدای دالکی تشییع کردیم.

شهید در خاطر پدر:

علی اکبر ولایتی پور هشتم پدر شهید حسن ولایتی پور.

انسان وقتی فرزند عزیزش را به جبهه جنگ می فرستد آمادگی شهادت فرزندش را دارد و خود را برای چنین مقام والایی آماده می سازد. تمامی زندگانی حسن برای من خاطره می باشد. کار کردن ایشان در اوقات فراغت برای

تامین معاش خانواده بهترین و شیرین ترین خاطره است.

فرزندم در خانواده ای مستضعف و مذهبی در سال ۱۳۴۴ در روستای بنه چاموشی چشم به جهان گشود. و در دامن مادری بانقوا پرورش یافت. در سال ۱۳۵۱ وارد مدرسه شد و سال های اول و دوم ابتدایی را در زادگاه خویش سپری نمود. سپس به دالکی مهاجرت نمودم و حسن سال سوم دبستان را تا پایان دوره راهنمایی با موفقیت در دالکی گذارند. وی همزمان با تحصیل در اوقات فراغت تابستان کار می کرد تا در امرار معاش یاری گرما باشد شهید بعد از اتمام دوره راهنمایی برای پاسداری از کشور خود در سال ۱۳۶۳ به استخدام ژاندارمری جمهوری اسلامی در آمد و بعد از اتمام دوره آموزشی در رشته مهندسی رزمی برای یاری رزمندگان اسلام به جبهه جنگ اعزام شد و در تاریخ ۲۱/۴/۱۳۶۷ در منطقه عملیاتی زبیدات پس از شهادت و دلاوری هایی بی نظیر به دیگر شهیدان اسلام پیوست.



سامانہ جامع سرداران و دوہزار ششمیہ استان بوٹھر